بسم الله الرحمن الرحیم

پیامدهای انحراف از جریان غدیر در سطوح فردی و اجتماعی

چکیده سخنرانی دکترسیدحسین شرف الدین درمرکزپاسخ گویی به شبهات

به مناسبت روز غدیر، قم ۱٤۰۱/٤/۲۲.

- بااینکه عنوان‌پیشنهادی جنبه کارکردگرایانه وپیامدشناسانه آنهم ازنوعی آسیبی و به اصطلاح کژکارکردی آن دارد اما من ترجیحا اشاره ای هم به جنبه های زمینه ای و علی موثر در بروز این آسیب ها خواهم داشت.
- واقعه غدیر، اگرچه در یک مقطع تاریخی خاص بوقوع پیوست اما یک واقعه و رخداد تاریخی نیست که مقید و متعلق به یک ظرف زمانی خاص باشد و یادمان سالانه آن بیشتر با هدف تجدید خاطره، بازخوانی یک رویداد تاریخی، بهانه ای برای ابراز عشق و محبت به حضرت امیر(ع) و احیانا تکرار یک سنت و آیین فرهنگی(مثل دیدار از سادات)باشد؛ غدیر به فرموده قرآن، روز اکمال دین، اتمام نعمت خداوند و یاس کفار از دست یابی به اهداف و منویات شیطانیشان یعنی به شکست کشاندن پروژه نوظهور اسلام خواهی و بسط تدریجی و بی وقفه دعوت پیامبر اکرم(ص) است. به بیان دیگر، آنچه در غدیر تبلوریافت، از دید قرآن، چیزی معادل همه رسالت حضرت (ص) بود.

از این رو، نباید آن را همچون یک مناسبت تقویمی تکرار شونده، تلقی کرد. جنبه صرفا هویتی هم ندارد که برخی خیال کنند، شیعه فلسفه وجودی و هویت دینی و اعتقادی خودش را به این واقعه تاریخی پیوند زده و نمی تواند از آن فاصله بگیرد. نصب امام به عنوان جانشین در روز غدیر اگرچه زمینه برای طرح امامت به عنوان یک اصل اعتقادی و کلامی فراهم ساخته و موضوع استمرار نبوت در قالب امامت و نقش و جایگاهی که امام معصوم در پیشبرد اهداف و آرمانهای اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی دارد، در آن مورد تاکید و تصریح قرار گرفته است؛ اما به زعم من نتیجه حاصل از غدیر را نباید صرفا در چارچوب یک اصل کلامی محدود کرد و از سایر ابعاد و آثاراعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی آن چشم پوشید.

- جریان سقیفه که به اتخاذ یک سیاست بدیل منجرشد، آگاهانه یا ناآگاهانه یک خطای راهبردی و یک انحراف فوق العاده سهمگین بود که به اعتقاد بسیاری، کل پروژه رسالت را به بیراهه برد و کم فروغ کرد. عمق هستی شناختی جریان سقیفه و پیامدهای آسیبی آن به حدی بود که تقریبا همه برنامه های بعدی را از مدار خارج کرد و همه چیز را در همسویی با خودش جهت داد. جریان

سقیفه و تصمیمی که بدون رعایت قواعد و انتظارات صورت پذیرفت، موجب شد تا عده ای از بزرگان و افراد ذی نفوذ در صدر اسلام، برای توجیه آن، آستین بالا زده و خوانش دیگری از غدیر بدست دادند. این اقدام کوته نظرانه یا خصمانه، مانع از انعقاد ایده امامت به عنوان استمرار نبوت و جانشینی انحصاری و بلامنازع حضرت علی(ع) و بالتبع سایر ائمه در افکار عمومی مسلمین(غیرشیعیان) شد. از این پس بود که بزرگان اهل سنت برای رفع تعارض آشکار میان نتایج حاصل از این دو واقعه، لزوم جانشینی حضرت(ص) با مختصات ویژه مورد ادعای شیعه را مورد تردید و انکار قرار دادند و شان حاکم و خلیفه حضرت(ص) را صرفا در حد اجرای احکام اجتماعی و رتق و فتق امور عادی جامعه اسلامی تقلیل دادند.

- اشتباهات ما آدمها بسته به عمق و گسترده یا ابعاد پهنایی و ژرفایی آن، پیامدهای مادی و معنوی، مستقیم و باواسطه، آشکار و پنهان مختلفی را در مقیاس فردی و اجتماعی بدنبال دارد: گاه یک اشتباه به ظاهر کوچک، یک عمر پشیمانی بدنبال دارد، گاه امید دستیابی به برخی موفقیت ها را برای همیشه از انسان سلب می کند؛ گاه پیامدهای آن علاوه برخود فرد دامن سایر وابستگان و مرتبطان را هم می گیرد.

مثل ما به عنوان اعضای یک جامعه- به تعبیر پیامبر اکرم(ص) - مثل سرنشینان یک کشتی است که گاه اشتباه یک فرد در سوراخ کردن کشتی به غرق شدن همه اعضا منجر می شود.

شاید یکی از دلایل جادوانگی پاداش و عذاب ما آدمیان در آخرت همین باشد که اعمال ما و عمر ما در این دنیا، اگرچه محدود است اما نتایج و پیامدهای نیک و بد آن لزوما محدود نیست. براین اساس، وزن و اعتبار یک عمل را نه با ظاهر فیزیکی و مدت زمان وقوع آن که باید با عطف توجه به پیامدهای آشکار و پنهان و مادی و معنوی آن در گستره زمان سنجید. افرادی از زعمای قوم حدود دو ساعت در سقیفه انجمن کردند و سرنوشت امتی را الی یوم یبعثون رقم زدند.

- تجربه تاریخی نشان داده که معمولا آن دسته از اشتباهات و انحرافاتی که با محوریت افراد مقتدر و ذی نفوذ، همراهی و هم گامی مردم(همه یا اکثریت، آگاهانه یا ناآگاهانه)، در شرایط مناسب اجتماعی- تاریخی، با پشتوانه انگیزه های مادی و معنوی، با توجیهات پیشینی و پیشینی، با پاداش یابی مورد انتظار، و عدم مخالفت جدی بوقوع پیوندد؛ معمولا به بار می نشیند، عمق پیدا می کند و ثمرات تلخ و شیرین آن در امتداد زمان هویدا می شود. این نوع وقایع معمولا پژواک تاریخی دارد و از زمان وقوعشان فراتر می روند، گاه در بستر تاریخ، موج هایی به راه می اندازند، سنت و گفتمان می سازند، حتی بعدها ممکن است جنبه اشتباه یا انحراف آنها نیز به کلی فراموش شود یا

با ارجاع به جبر زمانه و اقتضای دوران توجیه شود. اشتباه بزرگان و مراجع تصمیم ساز در جریان سقیفه، از این نوع بود.

- جای بسی تاسف است که این رویداد جز از سوی شیعیان و قلیلی از اندیشمندان اهل سنت، هیچگاه به عنوان یک انحراف و اشتباه تلقی و تفسیر نشد؛ بلکه بالاتر درطول تاریخ همواره عالمانی سعی کرده اند تا با ارجاع به برخی شواهد و دلایل و به صورتی متکلفانه آن را توجیه کنند. تاسف بارتر اینکه برخی این اشتباه را به عنوان یک انتخاب متشرعانه، مسئولانه، مصلحت اندیشانه، گریزناپذیر و در راستای اقامه دین، تامین مصالح امت اسلام، صیانت از اسلام در مقابل توطئه های دشمنان و در نهایت عینیت بخشی به خصیصه جاودانگی اسلام تفسیر کرده اند.

برخی از پیامدهای درشت این انحراف

- کنار نهادن رسمی حضرت علی (ع) از ساختار حاکمیت و خانه نشینی حضرت به مدت ۲۵ سال به عنوان اولین ثمره این تصمیم؛
- محروم کردن جامعه از تجربه حاکمیت ولایی معصوم (که قاعدتا از حضرت علی شروع و به سایرائمه (ع) بسط می یافت)
- محروم کردن جامعه از برکات و فیوضات وجودی ائمه اطهار(ع) در بخش های مختلف نظری و عملی(و امکان ایفای نقش الگویی و مرجعیت بلامنازع در ساحت های مختلف زندگی)
- از میان بردن زمینه های اقامه دین در جامعه و تکمیل حلقات مختلف پروژه رسالت
- بسترسازی برای وقوع برخی رویدادهای سهمگین و غیرمنتظره: مثل منزوی و خانه نشین کردن ائمه(به استثنای امام باقر و امام صادق(ع) آنهم تنها در مقطعی محدود)، ایجاد مانع در مسیر ارتباطات متقابل آنها با مردم، تقلیل جایگاه آنها به عنوان امامان مفترض الطاعه در افکار عمومی به عالمان امت یا آقازاده های پیامبر(ص)، شهادت مظلومانه آنها یکی بعد از دیگری، تحمیل جنگ های داخلی برحضرت علی(ع) و مانع شدن از اعمال حاکمیت توسط ایشان(در دوره حدودا پنج ساله حاکمیتش)، وقوع حادثه خونین کربلا، ظهور قیام ها و جنبش های انقلابی در مخالفت با سلطه بنی امیه و بنی عباس و سرکوب آنها؛ سرکوب گسترده و طولانی مدت شیعیان ائمه به بهانه های مختلف
- پی ریزی ایده جدایی دین از سیاست(حاکمان اولیه جامعه اسلامی، فلسفه وجودی حکومت را به اجرای احکام اجتماعی اسلام محدود کردند و حاکم و حکومت اسلامی را از سایر وظایف و

شوون فرهنگی، معنوی، اخلاقی، تربیتی، جامعه سازی و تمدن سازی معاف دانستند. تنک مایگی این وظایف موجب شد تا نالایق ترین افراد امت هم خود را سزاوار خلافت و جانشینی حضرت (ص) بپندارند.

- زمینه سازی برای ظهور بدعت های پیاپی(مثل طرح شعار کافی بودن قرآن و بی اعتنایی به سنت، رونق بازارجعل حدیث، بی اعتنایی به احادیث صادره از اهل بیت(ع)، رواج تفسیرهای من درآوردی از عقاید، آموزه ها و احکام دین؛ ظهور مکاتب مختلف فقهی و کلامی با محوریت عالمان وابسته، ایجاد تفرقه در امت و شکل گیری فرقه ها و مذاهب مختلف، احیای برخی رویه های جاهلی مثل برتری اعراب مسلمان بر سایرمسلمین، تبعیض های غیرموجه در اعطای امتیازات و مواهب مادی و غیرمادی حکومت
- تبدیل ولایت و امامت به سلطنت و حکومت اشراف یا ثروتمندان(اریستوکراسی یا الیگارشی)
- زمینه سازی برای حاکمیت طولانی مدت بنی امیه و بنی عباس(حدود ٦٥٠ سال که بعدها هم با حمله مغول و سقوط این حاکمیت، به نوع دیگری، این انحراف استمرار یافت)
- کند شدن روند شکوفایی ظرفیت های تمدن اسلامی در قرون بعدی
- محدودشدن شعاع دعوت و بسط جغرافیایی اسلام(تقریبا بعد از دوران صدارت خلیفه دوم)
- از میان رفتن زمینه های شکل گیری یک جامعه و تمدن معیار

البته من معتقد نیستم که به صرف موقعیت یابی فرهنگی، اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی ائمه اطهار(ع)و صدارت یابی بلامنازع آنها بر جامعه اسلامی آن روز، همه امور دقیقا همانگونه که آنها می خواستند و مدنظر داشتند، بوقوع می پیوست و در آن جامعه همه زمینه ها و ملزومات لازم برای ایجاد یک رشته تحولات بنیادین حسب اهداف و آرمانهای اعتقادی و ارزشی اسلام مهیا و فراهم بود. بی شک، چنین تصویری از جامعه اسلامی آن روز با شناختی که ما از رهگذر واکاوی منابع تاریخی و تمدنی بدان دست یافته ایم، تصویری کاملا رمانتیک، خیال بافانه و آرزو اندیشانه است؛

ثانیا، سیاست اسلام در مقام ابلاغ و دعوت و ایجاد تغییرات اساسی در عرصه های فرهنگی و اجتماعی، در زمان خود حضرت(ص) نیز سیاستی گام به گام و مرحله ای بوده و قاعدتا هریک از فازهای پروژه رسالت، تنهادرزمان مقتضی و حصول شرایط زمینه ای، امکان تحقق داشت؛

ثالثا، نحوه تعامل جامعه آن روز با حضرت علی(ع) و سایر ائمه نشان از عدم آمادگی آن جامعه برای پذیرش کامل زعامت این بزرگان و همراهی و همگامی تمام عیار با آنهاست؛ خود آنها نیز طبق شواهد

روایی و تاریخی چنین انتظاری از جامعه جدید العهد و تازه مسلمان آن روز که هنوز بار سنگین رسومات جاهلی را بر ذهن و روان خویش احساس می کرد، نداشتند. در هرحال، چندان موجه به نظر نمی رسد که ما همه بی مهریهای جامعه صدر اسلام با خاندان پیامبر و ائمه اطهار(ع) را به فضا سازی فرهنگی اجتماعی مسموم ناشی از جریان سقیفه منسوب بدانیم. این جریان قطعا نقش محوری در فرصت سوزی، تضعیف برخی تمهیدات پیامبر ساخته، احیای برخی سنت ها و رسوم جاهلی، برافروختن شعله های بغض و نفرت نسبت به خاندان رسالت (به بهانه انتقام از حضرت امیر و اولاد او به انگیزه جبران شکست های مفتضحانه کفار قریش در جنگ های اولیه صدر اسلام و از میان رفتن صدارت و شوکت ظاهری آنها)، سوق دادن مردم به وادی بی مسئولیتی، ایجاد فضای نومیدی از اصلاح امور، پایه گذاری برخی سنت های انحرافی و... داشته است؛ اما وجود طیفی از موانع و عوامل اخلالگر در مسیر همراهی و متابعت توده ها از ائمه(ع) به مثابه زمامداران بلامنازع جامعه را نیز نمی توان کاملا نادیده انگاشت. در هرحال، استعدادهایی در آن جامعه برای اجابت دعوت ارباب سقیفه وجود داشته و بازیگران صحنه سیاست چندان هم در انتخاب تاریخی خود و قبضه کردن امور بر خطا نرفتند

در هرحال، مطالعات جامعه شناختی به ما توجه می دهد که تاسیس یک جامعه الگویی با مختصات مورد نظر اسلام یا اعمال اصلاحات و تغییرات بنیادین در یک جامعه سنتی چند پاره، محروم از غالب مظاهر مدنیت، غوطه وردرفقرفرهنگی آشکار، دلبستگی و تعلق خاطر عمیق به مجموعه ای از سنت ها، رسوم، آیین ها، عادات، رویه ها، نگرشها، خلقیات؛ ضعف انعطاف برای پذیرش برخی اصلاحات و... چه امکانات و مقتضیات می طلبد و رفع چه موانعی باید در دستورکار قرار گیرد. از این رو، همه ادعای اندیشمندان شیعه و تاسفی که از بابت فرصت سوزی و انحراف بوقوع پیوسته در صدر اسلام و در نتیجه انزوا و مظلومیت ائمه(ع) می خورند این است که اگر بستر و طریق ایجاد شده توسط پیامبر(ص) ادامه می یافت و ائمه یکی بعد از دیگری در مصدر امور قرار می گرفتند و در عرصه حاکمیت سیاسی اعمال ولایت و رهبری می کردند، و نبوت و رسالت را در کسوت امامت و خلافت استمرار می دادند؛ احتمالا تاریخ اسلام مسیر دیگری می پیمود، امت اسلام سرنوشت دیگری را تجربه می کرد، بسیاری از حوادث خونبار در تاریخ اسلام بوقوع نمی پیوست، بسیاری از سنت های انحرافی پی ریزی نمی شد، علوم و دانش های بسیار از منبع فیاض و گنجینه علم ائمه در جامعه نشر می یافت، و خلاصه اینکه بسیاری از انتظارات و آرمانهای امروزین ما کم و بیش جامه عینیت می پوشید یا دست کم دست یافتنی ترمی شد.

والسلام